



اریک بلر که حالا دیگر باید با نام جورج اورول از او یاد کنیم بعد از انتشار اولین کتابش شروع به نگارش «روزهای برمه» کرد. کتابی تلخ که آن را بر اساس تجربیات روزهای جوانی در نیروی پلیس برمه نوشت. اورول در این رمان که برای نگارشش چیزی حدود ۵۵ سال (از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۳) وقت گذاشت شهری خیالی در شمال برمه را توصیف می‌کند که در آن ۷ مرد سفیدپوست بر ۴۰۰۰ برمه‌ای، چندصد هندی و چند چینی حکومت می‌کنند. این کتاب را برای اولین بار پروین قائمی به فارسی برگرداندند و نشر کتاب آفرین هم سال ۱۳۹۳ آن را منتشر کرد.

گفتگو با هادی ساعی قهرمان تکواندوی جهان  
به بهانه حضورش در سریال «آمین»

## هیچ وقت دنبال معروف شدن نبودم ولی هستم

هادی ساعی قهرمان تکواندوی جهان و المپیک و عضو هیئت رئیسه چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران است. ساعی با به دست آوردن دو مدال طلا و یک برنز در المپیک و دریافت مقام‌های بالای دیگر در عرصه بین‌المللی از پرافتخارترین ورزشکاران تاریخ ایران است. اما هادی ساعی این روزها به جز ورزش و سیاست وارد عرصه بازیگری هم شده‌است؛ او سال پیش در نخستین حضور سینمایی‌اش در فیلم «مرواریدهای خلیج فارس» به کارگردانی حسین قاسمی جامی در نقش یکی از تکاوران دلاور نیروی دریایی بازی کرد و امسال نیز در نقش یک پلیس نیروی انتظامی در سریال «آمین» به کارگردانی منوچهر هادی ایفای نقش می‌کند. ساعی در ظاهر خیلی شبیه بازیگرها نیست، او آرام و ساکت است و خیلی کنجکاو همه چیز را نگاه و در ذهن ثبت می‌کند. او اعتقاد دارد اگر بخواهد کاری را انجام دهد به بهترین نحو آن را انجام می‌دهد. با این حساب او فکر می‌کند بازیگر خوبی خواهد شد. به بهانه حضور او جلوی دوربین سینما و تلویزیون با او درباره ورزش، سیاست و بازیگری صحبت کرده‌ایم.

به عنوان یک ورزشکار و کسی که در حوزه سیاسی هم فعالیت داشته چرا سراغ بازیگری آمدید؟

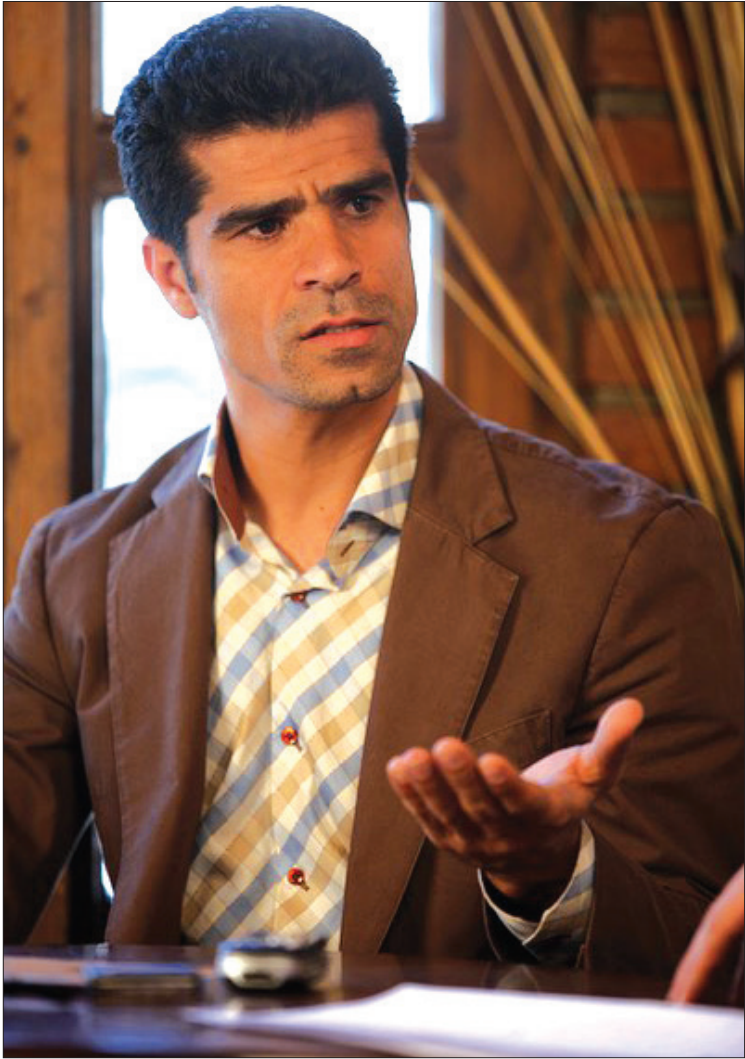
در این چندین سالی که در شورای شهر بودم هیچ‌وقت دنبال مسائل سیاسی نبودم، چون شورای شهر اصلاً جایگاه سیاسی نیست، نزدیک‌ترین نهاد به مردم شوراهای شهر هستند، آن‌ها کار مردمی انجام می‌دهند، سیاسی نیستند، حالا شاید یک سری از دوستانی که در این پست هستند قبلاً در جایگاه سیاسی هم بودند ولی دلیل بر این نمی‌شود که شورای شهر سیاسی باشد، اگر هم باشد به اصل در مسائل سیاسی دخالت نمی‌کنم و اگر هم خاطر تان باشد من زمانی که در رأی‌گیری شورا شرکت کردم تنها کسی بودم که در دوره آخر خیلی مستقل به شورا رفتم و رأی آوردم، چون هیچ‌وقت به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نبودم.

دلیل وارد شدن به شورای شهر چه بود؟ چه خود خدمتی مد نظر تان بود؟  
خوب آنجا این امکان وجود دارد که آدم بتواند کمک کند، تمام ذهن من در شورا همین بود، این که بتوانم کمک کنم. و هر کاری را که در توانم هست انجام می‌دهم ولی در بحث‌های سیاسی وارد نمی‌شوم. حضور آنجا فقط برای این بود که کنار مردم باشم چون زمانی که ورزشکار هم بودم همین اتفاق افتاد، همیشه به پشتوانه لطف مردم بود که موفق شدم و به خاطر همین همیشه هم کنار آن‌ها باقی خواهم ماند. آن‌ها با تشویق‌ها و پیگیری‌هایشان حامی من بودند و من هرچی به‌دست آوردم از حمایت‌های آن‌ها بود؛ آن‌ها به من اعتماد کردند و من هم باید جواب این اعتماد بدهم.

بازیگری چطور؟ این کار را برای چه انتخاب کردید؟  
من پیشنهادهای زیادی در بازیگری داشتم ولی در هر کاری دوست نداشتم بازی کنم، در حوزه‌هایی دوست دارم بازی کنم که حضورم در ابتدا بتواند به جامعه کمک کند و یا گوشه‌ای از بار مسئولیت یک گروه هنرمند را به دوش بکشد.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل‌های شما برای حضور در عرصه سینما و تلویزیون در همین باشد که به آن گروه برای دیده شدن کار بسیار کمک می‌کنید.  
البته هم در فیلم سینمایی و هم سریالی که الان کار می‌کنم بازیگران بسیار بزرگی هم در کنارم بودند و هستند ولی خوب این هم هست که بشود یک گوشه از زحمات گروه را جبران کرد و یک بخشی هم به این دلیل است که وقتی مردم یک نفر را دوست دارند حضور آن‌ها در آثاری که با مردم ارتباط دارد می‌تواند تحت تأثیر قرارشان بدهد و استقبال بیشتری از آن کار بکنند.

کارهای دیگری هم در برنامه آینده تان هست؟  
به‌جز این کارها یک فیلم سینمایی و سریالی دیگری نیز به من پیشنهاد شده که دارم فیلمنامه‌های



که ورزشکار محبوبی هستم بازیگر محبوبی نشود؟  
هیچ وقت توی زندگی‌ام از هیچ چیز نترسیدم و هر کاری را که بخواهم بکنم تمام تلاشم را می‌کنم چون آدم ترسو هیچ‌وقت نمی‌تواند آدم موفقی باشد.

این حال و هوا هستند یا متفاوتند؟  
نمی‌خواهم چیزی در باره آن‌ها بگویم چون هنوز حرفی درباره این کارها زده نشده و به قول معروف نمی‌خواهم داستان را لو بدهم.

هادی ساعی به عنوان یک آدم جدی فکر می‌کند بتواند بازیگر خوبی باشد؟ چون بازیگرها معمولاً آدم‌هایی برون‌گرا هستند و خوب طبع و روش‌شان سال‌ها ز یاد تمرین داشته‌اند ولی شما نه، تجربه زیادی ندارید، چطور می‌خواهید با این خصوصیات که هر بازیگری به آن احتیاج دارد تطبیق پیدا کنید؟

همانطور که گفتم من اصلاً هر کاری را بازی نمی‌کنم و مهم‌ترین مسئله در انتخاب‌هایم این است که نقش به شخصیت من شبیه باشد و به من بخورد و واقعاً بتوانم خودم را با آن نقش تطبیق بدهم. چطور همانطور که گفتید من در زندگی آدمی بسیار جدی هستم پس انتخاب‌هایی را انتخاب می‌کنم که این ویژگی را داشته باشد.

فکر می‌کنید با توجه به توانایی‌های تان چه قدر طول می‌کشد تا بازیگر خوبی بشوید؟  
ممکن است زمان ببرد ولی اگر برای یک آدم معمولی ده سال طول بکشد؛ برای آدمی مثل من که در حوزه دیگر خیلی موفق بوده همان پیشرفت در سه سال به‌دست می‌آید. اعتقاد من این است که اگر کسی در یک کار دیگر حرفه‌ای باشد این توانایی را دارد که در هر کاری موفق بشود. و البته در این نقش‌هایی هم که داشتم تا به اینجا من کارهایی را انتخاب کردم که هر کسی با هر بازیگری نمی‌تواند آن‌ها را انجام بدهد.

نقش‌هایی که به حرکات رزمی احتیاج دارند منظور تان است؟  
بله من صحنه‌های سخت زیادی بازی کرده‌ام؛ صحنه‌های اکشن. مثلاً در فیلم «مرواریدهای خلیج فارس» که واقعاً نقش بسیار سختی بود من در نقش یک تکاور نیروی دریایی بودم. و تمام نقش را با تمام حرکات رزمی و خصوصیات که یک تکاور دارد، انجام دادم و اصلاً از بدل استفاده نکردم چون دلم می‌خواهد اگر برای کاری انتخاب می‌شوم حتماً در آن نقش از ویژگی‌های خودم استفاده کنم چون اگر نقشی باشد که هر کس بتواند بازی کند پس چرا من را انتخاب کرده‌اند؟ و بخشی از انتخاب من به خاطر توانایی‌هایم است و من سعی کردم حضورم مؤثری باشد و در این سریال هم با این که اول کار است اما تمام تلاشم را می‌کنم تا از هادی ساعی بودنم استفاده کنم و برای همین باید خیلی تلاش کنم.

یک کم شخصی‌تر به بازیگر شدن تان نگاه کنیم، این ترس را نداردید که هادی ساعی آن قدر

به‌جز این سختی‌هایی که نقش‌تان داشت به چه دلیلی بازی در همچنین نقشی را قبول کردید، نقشی که احتمال خطرات بسیاری برای شما داشت؟

زمانی که این نقش به من پیشنهاد شد من چند ماهی روی آن فکر کردم. آن موقع اصلاً فکر نمی‌کردم یک زمان بازیگر بشوم. چون قبل از آن هم پیشنهاد داشتم اما جواب رد می‌دادم و می‌گفتم بازیگری را دوست ندارم و اصلاً به آن فکر نمی‌کنم، برای آن فیلم سینمایی هم همین‌طور بود، اصرار زیادی دوستان داشتند اما من اصلاً مایل نبودم ولی آن‌ها پیگیری کردند تا گفتند شما فقط فیلمنامه را داشتیم دیدیم از این نقش خوشم آمده، نه به خاطر بازیگر شدن. من به خاطر آن آدمی که قرار بود این کارها را آن‌ها قدر دانی کنیم و اگر من این کار را نمی‌کردم در حق ایشان کوتاهی کرده بودم و البته لطف دوستان هم بود که اصرار داشتند من این نقش را بازی کنم چون می‌گفتند این آدم یک اسطوره است و تا به حال هیچ کجا درباره او صحبتی نشده و کسی او را نمی‌شناسد و بهتر است که مردم بدانند در جنگ همچنین آدم‌هایی بوده‌اند و این اتفاق‌ها در جنگ افتاده‌است. و انتخابشون به خاطر این بود که ما می‌خواهیم کسی این نقش را بازی کند که خودش محبوبیت داشته باشد و اسطوره باشد، من نمی‌خواهیم هر کسی این نقش را بازی کند. و من هم به همین دلایل قبول کردم

اولین تصویری که از خودتان دیدید یا اولین پلانی که بازی کردید به نظر خودتان چطور بود؟  
من اصلاً استرس دوربین نداشتم، خیلی راحت از پس آن برآمدم چون در کار خودم یعنی تکواندو آنقدر استرس بیشتری بود که برآم عادی شده بود. من هیچ‌وقت فکر نکردم که نمی‌توانم و فقط گفتم اگر بخواهم می‌توانم این را هم خوب انجام بدهم.

## اعتقاد من این است که اگر کسی در یک کار دیگر حرفه‌ای باشد این توانایی را دارد که در هر کاری موفق بشود. تا به اینجا من کارهایی را انتخاب کردم که هر کسی با هر بازیگری نمی‌تواند آن‌ها را انجام بدهد.

پس با این حساب آن انتخابی که حرفش را زدیم حتماً ورزش است؟  
در زندگی‌ام تا سه امروز ورزش برایم مهم‌ترین چیز بوده، چون خیلی چیزها را به خاطر ورزش از دست دادم، یعنی هر چیزی را بخوای باید چیزی را برایش از دست بدهی؛ من هم در آن سنی که وارد ورزش حرفه‌ای شدم جوان بودم ولی اصلاً جوانی نکردم. تمام وقت در باشگاه؛ اردوها و در مسابقات گذشت. چون هدفم چیز دیگری بود، چون اگر می‌خواستم همه چیز را داشته باشم اصلاً موفق نمی‌شدم. زمان المپیک هشت ماه خانه رفتم، روزی پنج ساعت تمرین می‌کردم، مابالم را خاموش کرده بودم تا تمام هوش و حواسم پیش کاغذ باشد، با این که از خانم‌ها تا باشگاه پنج دقیقه راه بود اما خانه نمی‌رفتم تا چیزی ذهنم را پرت نکند. چیزی که می‌خواستم وقت و انرژی می‌خواستم. ورزش هم برای من از این لحاظ مهم‌ترین است که من هر چه که دارم از ورزش دارم. این‌که الان تکواندو کار نمی‌کنم و از آن خداحافظی کردم من را از ورزش دور نکرده‌است، آرام می‌سوار کاری می‌کنم، هر روز تمرین می‌کنم، آرام خودم را برای مسابقات آماده می‌کنم. شاگرد دارم و اسب تربیت می‌کن. همان‌طور که گفتم یا کاری را نمی‌کنم یا به بهترین نحو انجامش می‌دهم. من از یک چیز خیلی بدم می‌آید این که از من ایراد بگیرند و به خاطر همین تماس سعی‌ام را می‌کنم که کسی از من ایراد نگیرد.

پچه شما هادی ساعی ورزشکار را ترجیح می‌دهد یا هادی ساعی بازیگر را؟  
نمی‌دانم واقعاً، تازه چند روز است فهمیده بازی می‌کنم. چند روز پیش گفت بابا کجا می‌روی؟ گفتم می‌روم سسر کار، گفت الان که شب است، همه برمی‌گردند خانه، گفتم نه بابا من سر یک کار دیگری می‌روم، گفت اسم کار چی است؟ گفتم می‌روم سسر فیلمبرداری برای تلویزیون، خوب می‌دهد؛ گفتم فعلاً داریم می‌سازیمش. بعداً نشان می‌دهم، ولی مسابقات تکواندو را خیلی اجازه نمی‌دادم ببیند چون دوست ندارم یک‌زمانی بروم سراغ تکواندو، یا برایش جالب باشد که این کار را دنبال کند. با این که بچه خیلی شجاعی هست اما من می‌دانم که تکواندو و زندگی با آن خیلی خیلی کار سختی است و من دلم نمی‌خواهد این بچه هم آنقدر سختی بکشد. اگر دوست دارد ورزش کند ورزش نفری‌یسی بکند اما ورزش حرفه‌ای خیلی سخت است و تحمل می‌خواهد وقت می‌گیرد. من این بچه را چندین برابر احتیاج دارم. من این سختی‌ها را کشیده‌ام، می‌دانم این کار چطور است.

برای بازیگری هم این همه انرژی خواهید گذاشت؟  
من اگر کاری را شروع کنم برای آن تمام انرژی‌ام را می‌گذارم.

## نظر سنجی از هنرمندان کدام سریال رضانی را موفق‌تر می‌دانید؟

از سال ۸۰ که اولین سریال نمایشی در ماه مبارک رمضان روی آنتن رفت، تا کنون هر سال شبکه‌های مختلف برای این ماه مجموعه‌های تلویزیونی زیادی تدارک دیده‌اند در این میان تعدادی از سریال‌ها از یاد رفتنند و در عوض تعدادی از آن‌ها جزء خاطر مانگیز ترین و بهترین سریال‌های بوده‌اند که بعد از انقلاب تلویزیون بخشی کرده. یا نزدیک شدن به ایام ماه مبارک رمضان، نظر خیلی هنرمندان را درباره بهترین سریال‌های ماه رمضان سیده ایوبی، خواستیم ببینیم به نظر شما کدام مجموعه تلویزیونی از ابتدا تا حال بیشتر در ماه مبارک رمضان درخشیده‌است.

**محسن شاه‌محمدی (کارگردان):**  
میوه ممنوعه کار خوبی بود و جزء کارهای موفق بود به دلیل این که داستان خوبی داشت و همچنین بازی‌های خوب و برجسته‌ای داشت.

**محمد تقی فهیم (منتقد):**  
صاحب‌دلان، خداحافظ بچه واقعا به هر حال نوگرایی که این کارها نسبت به دیگر سریال‌ها داشتند و مضمون و فرم این کارها که دارای تطبیق مناسب بود، به آن‌ها رنگ و بوی دیگری می‌داد. همچنین به مسائل و اخلاقیاتی که فراموش شده‌بوده‌نوعی دیگر نگاه شد و دارای تکنیک‌های برجسته‌تری نسبت به سایر کارها بودند.

**محسن علی‌اکبری (تهیه‌کننده):**  
سریال ماه مبارک رمضان در سال‌های اخیر متأسفانه موفق نبوده‌است شاید از نظر تعداد مخاطب بالا بود اما از نظر محتوا ضعیف بود. است. هنگام دیدار سازندگان با معاونت‌سیمای بعد از ماه مبارک رمضان شاهد هستیم که اعلام می‌شود بلافاصله در مورد ساخت سریال‌های مناسبی اقدام می‌شود اما این اتفاق مسر نمی‌شود و یک ماه مانده به ماه رمضان سفارش کار صورت می‌گیرد، به همین دلیل کارها با شتاب زیادی ساخته می‌شود و ساخت این مجموعه‌ها شتابزده است. فیلمنامه کامل نیست و هنگامی که فیلمنامه منسجم‌نشده‌است به‌نوعی درست‌فکر نکند، یک سری کار طنز ساخته می‌شود که لوده‌است و تنها بخشی از اوقات فراغت مخاطب را بدون هدف و انگیزه بر می‌کند. مضامین بیگانه با ماه مبارک رمضان است و شعارزده عمل می‌شود که نتیجه معکوس آن دیده‌می‌شود. هیچ‌مجموعه‌ای با فیلمنامه‌ای که روی آن کار نشده موفق نیست به طور مثال بیستم ماه مبارک رمضان هنوز فیلمنامه قسمت آخر سریال آماده نیست و این حجم فشار به گروه وارد می‌شود همه عوامل تحت فشار هستند، البته این موضوع به نفع تهیه‌کننده است اگر تصویربرداری یک مجموعه ۶ ماه زمان نیاز داشته باشد در مدت ۲ ماه این کار انجام شده‌است و سود بالایی دارد، اما از سویی دیگر شاهد سریال‌های تأثیرگذار نیستیم.

**حمید پنداشته (خبرنگار):**  
میوه ممنوعه، به دلیل فیلمنامه قوی علیرضانداری این سریال موفق بود.

**شما هم به این سوال پاسخ دهید: کدام سریال رضانی را موفق‌تر می‌دانید؟ گزینه مورد نظر تان را به شماره ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲ پیام‌ک بزنید.**

شماره پیامک ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲

شما هم به این سوال پاسخ دهید: کدام سریال رضانی را موفق‌تر می‌دانید؟ گزینه مورد نظر تان را به شماره ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲ پیام‌ک بزنید.

## چهره‌ها گفتند

**خساربا روند زور آن‌ها بی که «پایتخت» انمی خواهند بیشتر است قصه، شرت اصلی ادامه «پایتخت» است؛ اکنون طرح‌هایی برای «پایتخت ۴» در ذهنان هست اما هنوز هیچ چیز مدون نشده است. برای «پایتخت ۴» تصمیم‌گیرنده من نیستیم؛ ضمن این‌که الان برای دورخیز «پایتخت ۴» خیلی زود است ولی طبیعتاً چیزی که در ذهنان هست اما هنوز هیچ صحبتی نشده است. شاید اگر ۹۰ درصد از مردم سریال «پایتخت» را بخوانند، آن‌ها ۱۰ درصد باقی‌مانده‌ای که «پایتخت» را نمی‌خوانند، مطمئناً زورشان بیشتر است. برای آغاز نگارش سریال «پایتخت ۴» هنوز جوی وارد مذاکره شده‌ایم و هنوز هیچ چیز معلوم نیست. (ایستا)**

**عباس رافعی: احساس کردم سوء تفاهمی برای مخاطبان رخ داده است**  
در زمان جشنواره در همه سال‌های نمایش دهه‌ده فیلم «فصل فراموشی فریبا» حضور داشتیم و احساس کردم سوء تفاهمی برای برخی دوستان و مخاطبان فیلم در مورد برخی شخصیت‌های این فیلم رخ داده که تغییراتی را در همین راستا اعمال کردیم و برخی پلان‌های فیلم حذف شد و چند پلان دیگر هم که گرفته بودیم به فیلم اضافه شد. در حال حاضر آتونوس و پوستر این فیلم توسط پرام و فایلی که تدوین این فیلم را نیز برعهده داشت ساخته شده است. (سینماپرس)

**محمدعلی یاشه آهنگر: قدم بر مسیر پرنگلاخی گذاشتم در ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی قدم بر مسیر پرستگلاخی گذاشتم ام و درست به دلیل دشوار بودن مسیر بیشترین وقت و انرژی را صرف تفهیم افراد درباره فیلمنامه می‌کنم. به هر صورت این دشواری انتخاب من بود و راضی هستم و اصولاً وظیفه‌ام این است که این مسیر را ادامه دهم. عده مشکل من در ساخت آثار هم بحث‌های مربوط به فیلمنامه است. در واقع تفهیم مدیران در امر سرمایه‌گذاری برای ساخت طرح‌ها و ایده‌هایی که دارم بسیار مشکل است و برای بیان دلایل متعدد در باره چرایی ساخت فیلم دفاع مقدس تلاش بسیاری می‌کنم. (مه)**

**محمد رضا شجریان: هرگز به مردم و سرزمینم پشت نکردم**  
من در تمام طول زندگی‌ام در بیش از نیم قرن حضورم در عرصه موسیقی ایرانی، همیشه و در هر حال کوشیدم و نه فقط پاسدار ارزش‌ها، اصول و شکوه و عظمت این سنت موسیقایی و نه فقط مفسر این فرهنگ غنی بلکه پاسدار این تمدن باشم و کوشیدم تا این سنت کهنسال و ریشه‌دار خنیاگری را به همه عتا و عظمت حفظ کنم. خوشحالم که در همه زندگی‌ام هرگز به مردم کشورم و سرزمینم پشت نکردم، در کنارشان بودم، برای آن‌ها تلاش کردم و خواهم کرد. (اعتماد)